

نگاهی به مراسم تودیع و معارفه نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تهران

گسترش فعالیت‌های بشر دوستانه در منطقه با کمک ایران

آدم... را شنیده باشد چون می‌گفت: آدم‌ها می‌آیند و می‌روند و این رابطه سازمان‌ها و همکاری بین آنهاست که می‌ماند و قطع نمی‌شود. خانم فلورانس ژیلت هم برای ادامه این همکاری‌ها آمده است.

بعد از سخنان «اولویه مارتین»، نماینده جمعیت هلال احمر، نماینده وزارت خارجه و دو نفر از مدیران سمن‌های همکار «I.C.R.C» در ایران، سخنرانی‌هایی کردند که بیشتر معرفی سازمان و نهاد خودشان بود. معرفی‌ای معمول که مثلا درباره جمعیت هلال احمر وجود دارد و تقریبا همه می‌دانند و شاید هم نیازی به ذکرش نبود یا نماینده سمن‌ها که بیشتر به معرفی خود پرداختند و مهمان‌هایی هم که طی این مدت سراپا ایستاده بودند، از زور خستگی به احتمال توی دل‌شان بدویبراه هم می‌گفتند، چون تا زمانی که نوبت به سخنرانی «فلورانس ژیلت» نماینده جدید «I.C.R.C» در ایران رسیده، برخی از مهمانان بیش از ۲ ساعت سراپا ایستاده بودند! شاید مهم‌ترین برنامه‌ای که باید انجام می‌شد رونمایی از تمبری بود که پست جمهوری اسلامی ایران به مناسبت این مراسم تدارک دیده بود و رونمایی هم شد.

«ژیلت» همان ابتدا وقتی برای سخنرانی دعوت شد، بر این موضوع تأکید کرد که نمی‌خواهد سخنرانی‌ای طولانی انجام دهد. او سعی کرد مهم‌ترین بخش سخنرانی‌اش را فارسی ادا کند و طی دو هفته‌ای که بنا به گفته خودش در ایران بوده، سه جمله و شبه‌جمله فارسی یاد گرفته است که از آنها به‌موقع و به‌جا استفاده می‌کند. «سلام»، «از بودن این‌جا با همه شما خوشحالم» و در نهایت وقتی سخنرانی‌اش به اتمام رسید یک کلمه فارسی-عربی گفت و تمام! «متشکریم!» همان‌ها هم در زمان فارسی صحبت کردنش به همان شیوه مرسوم، ابراز احساسات کردند.

او گفت: «ما به افتخار و خوشحالی من است که در خدمت شما هستیم. من به ایران برگشتم و ان‌شاءالله برای مدت طولانی در خدمت شما خواهیم بود و چشم انتظار همکاری همه شما هستم. ما در این مدت با همراهی شرکای کاری و همکاری‌های عمیقی با هم داشته‌باشیم که ما را به آقای مارتین پایه‌گذاری کرده‌اند، دنبال می‌کنیم. من در عرض دو هفته‌ای که این‌جا هستم، چیزهایی دیده‌ام که به آینده خیلی خوشبینم.»



کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تهران

بشر دوستانه را در منطقه توسعه دهند. در این زمینه سازمان‌های مختلف برای کمک به قربانیان این درگیری‌ها موثرند و ارزش‌های مشترکی که همه ما داریم، باعث می‌شود همکاری‌های عمیقی با هم داشته‌باشیم که داشته‌ایم و امیدوارم این همکاری‌ها در آینده نیز ادامه پیدا کنند.

شاید نماینده سابق کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ایران، آن اهنگ معروف «میرن

که باعث و بانی ایجاد این فضا بوده و هستند، شکر کرد، چون در این زمان، کل منطقه را دعوا و بلبشو فرا گرفته و ایران از این گزند دور مانده است. او می‌گفت: معمولا وقتی روزنامه‌نگاران در دفتر من برای مصاحبه می‌آیند، از یمن، سوریه و عراق می‌پرستند و خوشبختانه سوالاتشان درباره ایران نیست، چون در ایران صلح و آرامش وجود دارد و درگیری نیست. به همین دلیل ایران و «I.C.R.C» وظیفه دارند اقدامات

همان آغاز از خاص بودن ایران گفت و این که طلایی‌ترین دوره ماموریت را در این کشور داشته است. بعد مستقیماً رفت سراغ دیداری که چندین پیش با رئیس جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران داشته و بیان کرد: در آن دیدار آقای دکتر ضیایی (که از او برای کمک‌هایش در دوره مسئولیت در ایران قدر دانی می‌کنم) از من پرسید بهترین خاطرات حالا که از ایران می‌روی چیست؟ و من بدون

به «اوین»، برف می‌بارد اما هوای سالن معتدل است. هرچه باشد و با هر کیفیتی، مراسم بدی نیست و درباره بدرقه «مارتین» نمی‌شود کلام معروف «بد بدرقه و خوش استقبال» را به کار برد. شبه‌جمله‌ای که حالا تبدیل به ضرب‌المثل هم شده و بارها و بارها در موارد مختلف برای ایرانیان در مواجهه با خارجی‌ها به کار رفته است. به‌ویژه در ورزش این مرزوبوم، زمانی که مربی‌ای خارجی به ایران می‌آید و پس از مدتی

حمیدرضا عظیمی | یکی می‌خواست برود و یکی آمده بود. این خلاصه مراسم است که برای تودیع و معارفه نمایندگان سابق و جدید کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ایران برگزار شد. مراسمی که چندان مورد توجه رسانه‌ها قرار نگرفت و گویا موضوعات مربوط به «صلح» یا دیگر فعالیت‌های «بشر دوستانه» آنچنان اهمیتی در رسانه‌های امروز ندارند. اهمیتی در این فواره که مراسم وداع فردی که به هر شکل قدمی در مسیر توسعه صلح، بشر دوستی و مواردی از این دست را برداشته، حتی اگر ماموریت و شغلهش بوده باشد، بازتاب دهند و درباره چند و چون کارش به مذاقه برخیزند یا نماینده جدید این نهاد بین‌المللی را به استقبال آیند و از اهداف و برنامه‌هایش بپرسند. اهدافی که می‌تواند در همکاری بین سمن‌های ایرانی حامی صلح و فعالیت‌های بشر دوستانه و نهاد بین‌المللی صلیب سرخ محقق شود و امید بیشتری برای ایجاد صلح یا دست کم کاهش آسیب‌های ناشی از جنگ به وجود آورد؛ جنگی که منطقه ما را فرا گرفته و تهدیدی جدی برای همه جمعیت ساکن در خاورمیانه و حتی کل جامعه بشری است. چنان که «اولویه مارتین» هم در سخنرانی وداع به این نکته اشاره کرد، آن‌جا که گفت: وظیفه دولت و «I.C.R.C» (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ) است تا فعالیت‌های بشر دوستانه را در منطقه گسترش دهند و به توسعه بیشتر آن در منطقه‌ای که درگیری و مناقشه آن را فرا گرفته کمک کنند.

مخلص کلام این که هر چه بود، مراسم تودیع «اولویه مارتین» نماینده سابق «I.C.R.C» و معارفه «فلورانس ژیلت»، نماینده جدید این سازمان در ایران برگزار شد و گذشت اما در این مراسم متن و حاشیه به کمک هم آمدند تا خاطره خوشی برای نمایندگان سابق و جدید «I.C.R.C» به وجود آورد چه آن که «ژیلت» از احساس خوشبختی‌اش برای انجام ماموریت در ایران سخن به میان آورد و «مارتین» از احساس مسرتش برای روزگاری که در ایران گذرانده، حرف زد؛ در پایان هم چه او که رفت و چه او که آمد هر دو خندان بودند. در اهمیت این مراسم همین پس که تمیز یادبودی به افتخار وداع مارتین با ایران توسط پست جمهوری اسلامی ایران رونمایی و اضمای «اولویه و فلورانس» پای آن حک شد. «شهرود» به همین مناسبت نگاهی به مراسم وداع «اولویه مارتین» با ایران و «فلورانس ژیلت» در آغاز دوره ماموریتش در تهران انداخته و از چند و چون برگزاری این مراسم که میانه هفته پیش برگزار شد، گزارش می‌دهد.

لابی دور میز بوفه

ساعت ۴ بعد از ظهر قرار، اعلام شده است؛ سالن زرین هتل آزادی از حدود نیم ساعت قبل از آغاز مراسم، پذیرای مهمانان بود. مهمانانی که آمده بودند تا از رئیس جدید نمایندگی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تهران استقبال و رئیس سابق را بدرقه کنند؛ زمان مثل تکه پنیر روی پیتزا، کش آمده و کار به درازا انجامیده بود. تا ۵ دقیقه بعد از زمان قرار، هنوز خبری از شروع مراسم نبود. مثل خیلی از مراسم‌های دیگر، این بار هم هر چند ساعت ۴ دعوت گرفته بودند اما گویا در این بوم، قرار نیست هیچ وقت کاری به موقع انجام شود. فرقی هم در بین‌المللی و وطنی بودن ماجرا نیست!

این‌جا بازار خوش‌ویش گرم است، مهمان‌ها یکی‌یکی، دوتا دوتا می‌رسند و گروه‌هایی چند نفره را تشکیل می‌دهند و هر گروه دور یکی از میزهای گرد که باید کنارش سرریا بایستی، به گپ‌وگفت مشغول می‌شوند. میزهایی که معروف به «میزبوفه» و نام شیوای خاص پذیرایی نیز هست. انتخاب همین نوع پذیرایی ویژه باعث شده هیچ صندلی‌ای در سالن زرین نباشد و مهمانان باید سرریا و در طول برنامه بایستند. شاید بخت یار بوده که مهمان‌ها مشغول گفت‌وگویند و خستگی ناشی از سرپا ایستادن را از یاد برده‌اند. سالن زرین تبدیل به «لابی» گاه مهمانان شده است. دست‌کم برخی از میزها که این‌طور است، از روی صحبت‌هایشان و استراق سمع ناخوایسته، آن هم وقتی که نزدیک‌شان بایستی، می‌شود این را فهمید. صحبت‌هایی که با صدای نه‌چندان پابین ردوبدل می‌شود. اگر کنار گود نشستسته و نظاره‌گر بایستی فقط مهمه‌هایی تودرتو را می‌شنوی!

زمان هرچه بیشتر از ساعت ۴ می‌گذرد، فضای سالن شلوغ‌تر می‌شود. مدیران برخی از سمن‌های همکار با نمایندگی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، نماینده وزارت امور خارجه، نماینده جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران و دیگر مدعوین آمده‌اند. «فلورانس ژیلت» نماینده جدید کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ایران، لیکن نصف‌ونیمه‌ای روی لب دارد و با همراهی یکی از کارمندان بومی این نهاد بین‌المللی با گروه‌های مختلف مدعوین که «کیه»‌های جمعیتی چند نفره را دور میز یا این طرف و آن طرف سالن تشکیل داده‌اند، خوش‌ویش می‌کند و «اولویه مارتین» هم که دوران ماموریتش در دفتر تهران «I.C.R.C» به پایان رسیده، سوی دیگر سالن به گپ‌وگفت مشغول است.

بیرون، انتهای بزرگراه چمران جایی منتهی



فعالیت با ایجاد جنجال رنجیده خاطر می‌رفت. حامیان و طرفدارانش چه در رسانه و چه در سطح جامعه می‌گفتند ما ایرانی‌ها «بد بدرقه و خوش استقبال» هستیم. اما به نظر نمی‌رسد «مارتین» با چنین خاطره‌ای ایران را ترک کند. او با لبخندی رلب در جای‌جای سالن دیده می‌شود و هر بار که سر می‌چرخانی، سوی دیگر سالن زرین می‌بینی‌اش! حتی خودش هم بهترین خاطره‌اش را «مردم ایران» عنوان می‌کند، در سخنرانی‌اش به این نکته اشاره می‌کند.

انتظار، اجرا و پایان

مهمه در سالن زرین زیاد شده و همین موضوع، حتی اگر چشم‌مانت را بسته باشی و هیچ‌جا را نبینی، نشان می‌دهد که مهمانان بیشتر از قبل شده و همه مشغول عقربه‌های ساعت ۴ و ۵ دقیقه را می‌دهد که مجری برنامه پشت تریبون می‌رود و برنامه را شروع می‌کند. «اولویه مارتین» رئیس نمایندگی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تهران به سخنرانی دعوت می‌شود.

«مارتین» توضیح می‌دهد که سخنرانی‌ای نصفه‌ونیمه خواهد داشت، چون نمی‌تواند سخنرانی‌اش را از روی متن خواهد خواند و نمی‌تواند دیگر را فی‌البداهه. او هر چند توضیحی برای این کار نداد اما به نظر می‌رسد با این کار خواست هم عادت مألوف تمام جای دنیا را به جا آورد که مسئولانش و هر کسی که می‌خواهد سخنرانی کند، قبلا روی متن کار می‌کند و هر حرفی را نمی‌زند و هم خواست به رسم ما ایرانی‌ها عمل کند که اساسا سخنرانی از روی نوشته به کارمان نمی‌آید!

موسسه خیریه کهریزک
آسایشگاه معلولین
و سالمندان کهریزک
استان تهران

مرکز نگهداری، درمان و آموزش معلولین
و سالمندان - غیردولتی، غیرانتفاعی، مردمی

www.kahrizak.com
مشارکت‌های مردمی: ۴۲۱۱۴
روابط عمومی: ۵۶۵۲۳۱۳۱-۲

توره، مع
قسم در راهم هم هنگام...